

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه ملک

استاد ضرابی دی لغایت اسفند ۱۴۰۰

جلسه اول ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - به نام خداوند رحمتگر مهربان- قسمت اول»

عنوان: رحمت بی دریغ الهی، در تجلیات اسم «مالک»!

سعادتِ نگاهی دیگر به عظیم‌ترین آیه قرآن کریم (بسم الله الرحمن الرحيم) در ابتدای سوره‌ای دیگر از سور نورانی قرآن را یافته‌ایم و می‌دانیم که نباید پشت دیوار الفاظ آن متوقف شده، انسانی بی‌مغز و سطحی‌نگر باشیم؛ اما چگونه؟ با استمداد از نور ولایت رسالت و ولایت؛ با دل دادن به حقیقتِ معانی نهفته در جان الفاظ و قرائت و تدبر در معانی آنها، امام صادق علیه السلام، درباره کلمه طیبه «بسم الله الرحمن الرحيم»، فرمودند: «الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ وَالسَّيْنُ سَنَاءُ اللَّهِ وَالْمِيمُ مَجْدُ اللَّهِ وَرَوَى بَعْضُهُمُ الْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ وَاللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ وَالرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً - بَاء (بسم الله الرحمن الرحيم) بهاء (روشنی) خدا و سین آن سناء (بزرگی) خدا و میم آن مجد (عظمت) خدا، (یا ملک خدا) و الله معبود همه چیز، رحمن مهربان به همه خلق، رحیم مهربان فقط به مؤمنان است» (کافی، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۱ - محاسن ص ۲۳۸، ح ۲۱۳)

با توجه به چنین برکت عظیمی است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ أَوْ يَعْمَلَ عَمَلًا وَيَقُولُ... بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَإِنَّهُ يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ - هر بنده‌ای بخواند چیزی بخواند یا کاری انجام دهد و بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، در کارش برکت داده می‌شود» (تفسیر منتسب به امام حسن عسکری علیه السلام ص ۲۵)

اکنون که خود را در پناه رحمت و برکت ربّ رؤف رحیم، قرار داده ایم و چشم امید خود را به غیر او بسته ایم، وارد سوره مبارکه ملک می‌شویم و در اولین آیه می‌خوانیم: «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» درباره خالق سخن می‌گویند که مالکیت همه چیز به دستان با برکت و توانای اوست؛ خدایی که قادر بر همه چیز است؛ این معنا در آخرین آیه این سوره شریفه با مصداقی تأمل برانگیز، به این صورت آمده: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ - بگو به من خبر دهید اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد.»

از آنجا که بدو و ختم آیات هر سوره، به محور اصلی سخن می‌پردازد و دیگر آیات، آن را شرح می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که تحفه و عطیه الهی در این سوره شریفه، به اقتضای رحمت بی‌دریغش، تجلیات اسم «مالک» است که راه وصول به مالکیت بر قوای ملکی و ملکوتی انسان و سیطره بر آن را به او می‌آموزد.

توئی کافریدی ز یک قطره آب	گوهرهای روشن‌تر از آفتاب
جواهر تو بخشی دل سنگ را	تو در روی جوهر کشی رنگ را
نبارد هوا تا نگوئی بیار	زمین نآورد تا نگوئی بیار

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ» این آیه شریفه، آیه قبل از خود را اینگونه توضیح می‌دهد که خداوند برای پرورش بندگان و اعطای قدرت و مالکیت به آنها، مرگ و زندگی را آفرید (از طریق اعمالی که به دست مخلوقاتش انجام می‌شود) تا نشان دهد بهترین اعمال (کدام عمل سبب حیات و زندگی می‌شود و کدام عمل سبب مرگ و تباهی)، از آن کیست، و او توانا (ارجمند) و آمرزنده است. سفیان بن عیینه می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی سخن خداوند عزوجلّ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، فرمود: «نه به معنای این است که عملش از نظر کثرت و فراوانی بیشتر باشد، بلکه عملش درست‌تر باشد، و درست‌بودن عمل در ترس از خداوند و نیت صادق و نیکی می‌باشد». سپس فرمود: «خالص گردانیدن عمل از خود عمل دشوارتر است، و عمل خالص عبارت است از؛ آنکه نخواهی کسی به جز خداوند عزوجلّ به خاطر آن تو را پاداش دهد، و نیت همان عمل است». (الکافی، ج ۲، ص ۱۶) و نیز

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هرگاه نور ایمان وارد قلب شد، قلب باز می‌شود.» به ایشان گفته شد: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! آیا آن حالت نشانه‌ای دارد؟» فرمود: «نشانه‌ی آن کناره‌گیری از سرای فریب، و توجّه به سرای جاوید و آمادگی برای مرگ پیش از فرارسیدن است. خدای متعال فرمود: الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا یعنی؛ کدام یک بیشتر به یاد مرگ بوده و آماده‌تر هستید، و بیم و ترستان بیشتر است» (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۸۰)

مگریز ای جان ز بلای جانان
اندر بلای سخت پدید آید
که تو خام مانی چو بلا نباشد
فضل و بزرگمردی و سالاری

«... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ» «درباره اسماء و صفات الهی که در انتهای آیات آمده، گفته شد که خداوند ضمن معرفی خود، راه وصول به تجلیات آن اسماء و صفات را نشان داده است. و آن اعمالی است که انسان را به حیات عزتمندانه (در مقابل ذلت و تباهی) می‌رساند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ - ای اهل ایمان، چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات ابدی شماست (یعنی ایمان) دعوت کنند اجابت کنید» (انفال/۲۴) عزیز به کسی گفته می‌شود که او را بسیار دوست بدارند و برای او ارزش و احترام زیادی قائل بوده، گرامی و محبوب باشد؛ در مقابل عزیز، شخص ذلیل قرار دارد که به سبب اعمالش، ذلیل و مورد تنفر دیگران قرار گرفته است. اسم عزیز معمولاً با اسم حکیم یا غفور همراه است که نشان دهنده این حقیقت است که عزّت در سایه عمل حکیمانه و گذشت و بخشش بدست می‌آید؛ همانگونه که خداوند عزّت خود را در سایه عطا و بخشش حکیمانه، معرفی نموده است؛ «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُتُورٍ - همان خداوند بخشایشگری که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید، بگونه‌ای که در آفرینش آن، هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، در این خلقت نگاه کن، آیا خلل [و نقصانی] در آن می‌بینی؟» «ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ - باز هم دوباره نگاه کن تا نگاهت خسته و درمانده از پیدا کردن نقص و عیب، به سوی تو بازگردد.»

گر تو را زوِ راهت و گر زحمت است
فعل حق باطل نباشد ای سلیم

هر چه بینی محض خیر و حکمت است
زانکه ناید فعل باطل از حکیم

عنوان: دفاع هوشمندانه، در همه موجودات !

خداوند سبحان علاوه بر اعطاء قدر کفاف موجودات، حسن و کمال را هم به آنها عطا فرموده است و آن کمال زیبایی و قدرت بر دفاع هوشمندانه از خود است؛ «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ - و در حقیقت آسمان دنیا را با نورانیّت زینت بخشیدیم که مایه طرد شیاطین [= قوای مزاحم] است و به همراه آن برایشان، آتش فروزان و عذاب آماده و فراهم، قرار دادیم.»

در مقابل چنین عطا و بخشش حکیمانه الهی که به مؤمنین می‌آموزد تا در حدّ توان خود به تحصیل حکمت و گذشت، بکوشند، تا در پرتو اسم عزیز و غفور الهی، در دنیا و آخرت عزیز باشند و همچنین با بخشش و گذشت، خود را در سایه تجلیات اسم غفور او قرار دهند تا گناهانشان بخشیده شود، خداوند بندگان را از عملی که باعث ذلّت و تباهی شود، پرهیز داده، می‌فرماید آنانی که در مقابل این همه عطا و بخشش، با کوتاهی و غفلت از تدبیر در آیات الهی، راه تحصیل ایمان به مبدأ و معاد و حیات سعادت‌مندانه را رها کرده، به انکار و ستمکاری بر خود و دیگران پرداخته‌اند، به عذاب ابدی دچار می‌گردند و چه بد فرجامی است؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»

شناسائی حق در حق شناسی است

نشان ناشناسی ناسپاسی است

از جمله حقایقی که انسان‌ها به دید تمسخر به آن نگاه می‌کنند و سخت منکر آن گردیده‌اند، مسأله سریان حیات و شعور در همه موجودات است، حتی معتقدین به آخرت، اینچنین نیست که با همه پدیده‌های اطرافشان به چشم یک موجود زنده نگاه کنند؛ چرا که انس با گونه‌های خاصی از حیات، آنها را به نفی زندگی و حیات از دیگر پدیده‌ها کشانده است. حتی در میان آنهایی که معتقد به سریان حیات و شعور در همه عالم وجود هستند، در عمل، تعامل و رفتارشان با همه چیز، تعامل با یک موجود زنده نیست؛ درحالی‌که خداوند برای همه موجودات در

جذب منافع و دفع مضار از وجود خودشان، سیستم هوشمندی قرار داده است که در آیات قرآن از آن پرده برمی‌دارد؛ «يَوْمَ نَقُولُ لِحَٰجَتِهِمْ هَلْ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ - روزی که جهنم را گوییم: آیا مملو (از وجود کافران) شدی؟ و او گوید: آيا (دوزخیان) بیش از این هم هستند؟» (ق/۳۰)

جمله ذرات عالم در نهان	با تو می‌گویند روزان و شبان
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم	با شما نامحرمان ما خامشیم
چون شما سوي جمادی می‌روید	محرمان جان جمادی کی شوید
ز جمادی در جهان جان‌روید	غلغل اجزای عالم بشنوید

« إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ * تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ - چون در آتش جهنم افکنده شوند از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد نزدیک است که از خشم شکافته شود هر بار که گروهی در آن افکنده شوند نگاهبانان آن از ایشان پرسند مگر شما را هشدار دهنده ای نیامد؟»: ستمکاران در مواجهه با این شعور همگانی و آشکار بودن همه چیز مجال انکاری نمی‌بینند و اعتراف می‌کنند که: « قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ - گویند چرا هشدار دهنده ای به سوی ما آمد و [لی] تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی فرو نفرستاده است شما جز در گمراهی بزرگ نیستید.» از سوی دیگر راه و روش خود را در دنیا مذمت می‌کنند و می‌گویند: « وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ - اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم.» »

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ - پس به گناه خود اقرار می‌کنند و مرگ باد بر اهل جهنم.» محمد بن عبد الجبار در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: به آن حضرت گفتم: «عقل چیست؟» حضرت فرمود: «[قوه و نیرویی] است که به وسیله‌ی آن خدای مهربان پرستش می‌شود، و به وسیله‌ی آن بهشت‌ها به دست می‌آید، گفتم: «پس آنچه در معاویه بود چیست؟» حضرت فرمود: « تِلْكَ النَّكَرَاءُ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ - آن زیرکی و کار با اندیشه‌ی بد به جا آوردن است، و آن شیطننت و کار با اندیشه بد، شبیه عقل است ولی عقل نمی‌باشد» (الکافی، ج ۱، ص ۱۱) در روایت است که امام علی (علیه السلام) فرمود: جبرئیل بر آدم (علیه السلام) فرود آمد و گفت: «ای

آدم! به من فرمان رسیده است که از تو بخواهم تا یکی از سه چیز را برگزینی، پس یکی را برگزین و دو تای دیگر را واگذار! آدم (علیه السلام) گفت: «ای جبرئیل! آن سه چیز کدامند؟» در پاسخ گفت: «خرد و حیا و دین». آدم گفت: «من خرد را برگزیدم». «فَقَالَ جِبْرِئِيلُ (عليه السلام) لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ أَنْصِرَفَا وَ دَعَاهُ فَقَالَ يَا جِبْرِئِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ فَشَأْنُكُمَا وَ عَرَجَ- آنگاه جبرئیل به حیا و دین گفت: «دور شوید و او را به حال خود واگذارید!» آن‌ها گفتند: «ای جبرئیل! به ما فرمان شده است که هر جا عقل باشد با آن باشیم، جبرئیل گفت به آنچه امر شدید عمل کنید و به آسمان عروج کرد.» (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۶، ص ۴۴۲)

کار ما سهوست و نسیان و خطا
من همه جهلم مرا ده صبر و حلم
ای و رای عقلها و وهمها
متصل گردان به دریا های خویش

کار تو تبدیل اعیان و عطا
سهو و نسیان را مبدل کن به علم
رحم فرما بر قصور فهمها
قطره دانش که بخشیدی ز بیش